

## موانع ایفای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN  
GOOGLESCHOLAR.ENSANI  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،  
صفحات ۱۶-۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری - ایران

نویسنده مسئول : محمد

محمودی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری - ایران

محمد جواد خادم الشریعه

ناصری

پژوهشگر دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان- ایران

علی فصیحی رامندی

### چکیده

تعهد به نفع ثالث یکی از مفاهیم مهم در حقوق ایران است که در آن شخصی (متعهد) به نفع شخص ثالثی (غیر از طرفین قرارداد) تعهدی را به عهده می‌گیرد. این نوع تعهد ممکن است به دلایل مختلفی مانند بهره‌مندی شخص ثالث از منافع قرارداد یا ایجاد حمایت از طرفین صورت گیرد. با این حال، ایفای تعهد به نفع ثالث با موانع و شرایط خاصی روبه‌رو است که موجب محدودیت در قابلیت اجرای آن می‌شود. یکی از مهم‌ترین موانع، عدم رضایت شخص ثالث است. در صورتی که شخص ثالث از پذیرش تعهد یا بهره‌مندی از آن خودداری کند، تعهد به نفع ثالث نافذ نخواهد بود. به عبارت دیگر، شخص ثالث باید تمایل داشته باشد تا از تعهد به نفع خود استفاده کند، در غیر این صورت تعهد فاقد اعتبار می‌شود. علاوه بر این، موافقت دائن نیز ضروری است چرا که در غیر این صورت قرارداد بی‌اثر خواهد بود. برخی از قوانین خاص ممکن است اجازه ندهند که تعهد به نفع ثالث به نحو مطلوب تحقق یابد، به ویژه اگر در تضاد با مقررات ویژه یا حقوق دیگران باشد. در همین راستا، قوانین آمره که بر اساس نظم عمومی یا اخلاق حسنه طراحی شده‌اند، ممکن است چنین تعهداتی را غیرقانونی اعلام کنند. یکی دیگر از موانع، وجود شرط خاص در قرارداد است که ممکن است محدودیت‌هایی را برای بهره‌برداری شخص ثالث از تعهد ایجاد کند. فقدان صلاحیت شخص ثالث نیز از دیگر موانع مهم است. شخص ثالث باید صلاحیت قانونی یا قراردادی لازم برای بهره‌مندی از تعهد را داشته باشد. اگر شخص ثالث فاقد این صلاحیت باشد، تعهد به نفع او نیز قابل اجرا نخواهد بود. همچنین، در صورتی که طرفین قرارداد قصدی برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث نداشته باشند، این نوع تعهد به هیچ عنوان قابل اعمال نخواهد بود. بنابراین، در حقوق ایران، موانع مذکور موجب می‌شود که اجرای تعهد به نفع ثالث محدود و تحت تأثیر قوانین خاص باشد.

ایفای تعهد، نفع ثالث، رضایت شخص ثالث، موافقت دائن، موانع قانونی، قوانین آمره، صلاحیت

شخص ثالث، قصد طرفین

واژگان کلیدی:

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

Year 2025, Sixth year, Issue 22

Pages 1-16

## Obstacles to fulfilling obligations in favor of third parties in Iranian law

Responsible author:	Master's student in private law, University of Judicial Sciences and Administrative Services - Iran
Mohammad Mahmoudi	
Mohammad Javad	Master's student in Commercial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services -
Khadem Al-Sharia	Iran
Nasseri	
Ali Fasihi Ramandi	PhD researcher in private law, University of Tehran, Professor, Islamic Azad University, Takestan Branch, Iran

### Abstract

Third-party obligation is one of the important concepts in Iranian law, in which a person (obligor) undertakes an obligation for the benefit of a third party (other than the parties to the contract). This type of obligation may be made for various reasons, such as the third party benefiting from the benefits of the contract or providing protection to the parties. However, the fulfillment of an obligation for the benefit of a third party faces certain obstacles and conditions that limit its enforceability. One of the most important obstacles is the lack of consent of the third party. If the third party refuses to accept or benefit from the obligation, the obligation for the benefit of a third party will not be effective. In other words, the third party must be willing to use the obligation for his own benefit, otherwise the obligation will be invalid. In addition, the consent of the obligee is also necessary, because otherwise the contract will be ineffective. Some specific laws may not allow the obligation for the benefit of a third party to be fulfilled in a desirable manner, especially if it conflicts with special regulations or the rights of others. In this regard, mandatory laws designed based on public order or good morals may declare such obligations illegal. Another obstacle is the presence of a specific condition in the contract that may create restrictions on the third party's exploitation of the obligation. The lack of competence of the third party is also another important obstacle. The third party must have the necessary legal or contractual competence to benefit from the obligation. If the third party lacks this competence, the obligation in his favor will not be enforceable. Also, if the parties to the contract do not intend to create an obligation in favor of the third party, this type of obligation will not be enforceable at all. Therefore, in Iranian law, the aforementioned obstacles cause the implementation of the obligation in favor of the third party to be limited and affected by specific laws.

**Keywords:** Performance of obligation, third party interest, third party consent, creditor's agreement, legal obstacles, mandatory laws, third party jurisdiction, intention of the parties

## مقدمه

### ۱. بیان مسئله

اصل نسبی بودن قراردادهای که ریشه‌های عمیق در نظام حقوقی ایران دارد، اقتضا می‌کند که آثار قرارداد تنها میان طرفین آن برقرار گردد و اشخاص ثالث از آن منتفع یا متضرر نشوند. با این حال، در مواردی خاص، به موجب اراده طرفین قرارداد یا حکم قانون، ممکن است تعهدی در راستای نفع شخص ثالث برقرار شود. در این وضعیت، یکی از طرفین قرارداد، تعهد می‌کند که کاری را به سود ثالث انجام دهد یا موجبات انتفاع او را فراهم آورد. هرچند این نهاد در فقه اسلامی و قانون مدنی ایران به صراحت شناسایی نشده، اما از قواعد کلی قراردادهای و برخی اصول فقهی می‌توان مشروعیت و اعتبار آن را استخراج نمود.

با این وجود، اجرای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران با موانع مهمی روبروست. از جمله این موانع می‌توان به عدم تصریح قانونی، تردید در شناسایی حق مستقیم برای ثالث، مشکلات ناشی از رعایت اصول عمومی قراردادهای (مانند اصل آزادی قراردادهای و لزوم رعایت قصد مشترک طرفین)، و نیز چالش‌های ناشی از تغییر موضع متعهد یا متعهدله اشاره کرد. افزون بر این، اختلاف نظر در خصوص مبنای نظری تعهد به نفع ثالث (آیا صرفاً تعهد به سود ثالث است یا ایجاد حقی مستقیم برای او) موجب ابهاماتی در آثار حقوقی آن شده است.

بنابراین، ضرورت دارد که با تحلیل مبانی نظری، مطالعه تطبیقی، و بررسی رویه‌های حقوقی موجود، حدود، شرایط و موانع ایفای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران روشن گردد تا

هم از سوءبرداشت‌ها جلوگیری شود و هم بستر مناسبی برای توسعه این نهاد حقوقی در چارچوب اصول مسلم قراردادهای فراهم آید. تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ایفای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران دارای چه موانعی است؟

### ۲. پیشینه تحقیق

• جهانی مقدم و همکاران. (۱۳۹۶). آثار و موانع تقاضای اجرای قرارداد توسط ذینفع ثالث، اظهار داشته اند که تعهد به نفع شخص ثالث، به‌عنوان استثنایی بر اصل نسبی بودن قراردادهای، در قانون مدنی ایران به رسمیت شناخته شده است. این تعهد زمانی ایجاد می‌شود که یکی از طرفین قرارداد در برابر دیگری متعهد به انجام عمل یا دادن مالی به سود ثالث گردد. با این حال، اجرای این تعهد همواره با موانعی روبرو است که می‌تواند ناشی از اراده متعاقدين، ویژگی‌های عقد یا احکام قانونی باشد. این مقاله با تمرکز بر حق تقاضای اجرای قرارداد توسط ذینفع ثالث، به بررسی آثار و موانع تحقق این حق پرداخته است.

• شعاریان ستاری و همکاران. (۱۳۹۹). حکم الزام متعهد به ایفای عین تعهد و اجرای آن از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه. نتیجه گیری کرده اند که در روابط قراردادی، اجرای به موقع و دقیق تعهدات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاهی اوقات متعهد از اجرای تعهد خودداری کرده و نقض قرارداد می‌کند. در این صورت، با توجه به قوانین مدنی ایران (مواد ۲۲۲ و

اسناد بین‌المللی مانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و قوانین کشورهای مختلف، مانند فرانسه، هلند، آلمان، و انگلستان، آزادی انتخاب برای ذینفع در انتخاب روش مقابله با نقض قرارداد پذیرفته شده است. الزام به اجرای عین تعهد ممکن است با دو دسته از موانع و محدودیت‌ها مواجه شود: نخست، موانع ناشی از وضعیت و ماهیت خاص تعهد، و دوم، موانع ناشی از اوضاع و احوال پس از عقد قرارداد.

• منصوری جمشیدی و همکاران، (۱۴۰۳).  
بررسی فسخ تعهد به نفع ثالث. بیان کرده اند که قانون مدنی ایران در ماده ۲۳۱ اصل نسبی بودن قراردادهای را بیان می‌کند که به موجب آن قراردادهایی که میان اشخاص منعقد می‌شود، تنها بر متعاقدين اثرگذار است و برای دیگران هیچ‌گونه تأثیر نخواهد داشت، مگر در مورد ماده ۱۹۶ که تعهد به نفع ثالث را به‌عنوان استثنایی بر این قاعده معرفی می‌کند. در این پژوهش، به بررسی فسخ تعهدات ناشی از قراردادهایی که شامل تعهد به نفع ثالث می‌شوند، پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که در صورتی که تعهد به نفع ثالث به‌عنوان عوض اصلی قرارداد باشد، مشروط له می‌تواند در صورت عدم ایفای تعهد از جانب متعهد، قرارداد را فسخ کند.

#### ۱. مبانی نظری تعهد به نفع ثالث

برای ایجاد چارچوب نظری تحلیل تطبیقی، ابتدا مفاهیم کلیدی مانند «ثالث»، «تعهد» و «انتفاع ثالث» تعریف

(۲۳۸) و قانون اجرای احکام مدنی (ماده ۴۷)، امکان اجرای تعهد توسط شخص ثالث یا متعهدله به‌طور مستقیم و مطالبه هزینه از متعهد وجود دارد. در فرانسه نیز ماده ۱۲۲۲ اصلاحی قانون مدنی، اجرای تعهد توسط شخص ثالث را پذیرفته و تغییراتی در آن ایجاد کرده است.

• شیروانی‌زاده آرانی و همکاران، (۱۴۰۱).  
ممنوعیت تحمیل شخص ثالث به عنوان طرف قرارداد در حقوق ایران و انگلیس. اظهار داشته‌اند که در حقوق ایران و انگلیس، بر اساس اصول و مبانی مختلف، به ویژه اصل نسبی بودن قراردادهای و مواد پراکنده قانون، قاعده‌ای مبنی بر ممنوعیت تحمیل شخص ثالث به عنوان طرف جدید قرارداد وجود دارد. در این پژوهش، نتیجه‌گیری شده است که در حالی که حقوق ایران در صورت عدم جلب رضایت طرف مقابل، پذیرش شخص ثالث به عنوان طرف قرارداد را نفی می‌کند، نظام حقوقی انگلیس در چنین شرایطی اجازه حضور شخص ثالث در قرارداد را می‌دهد و مانع از حذف طرف قبلی قرارداد می‌شود و در واقع، شخص ثالث را در کنار طرف قرارداد قبلی قرار می‌دهد.

• سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله، (۱۳۹۶). موانع و محدودیت‌های الزام به اجرای عین تعهد در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با سایر نظام‌ها. در این مقاله به بررسی حق انتخاب ذینفع در استفاده از روش‌های مختلف برای مقابله با نقض قرارداد و جبران خسارت پرداخته و به مبانی و کارایی اقتصادی این گزینه‌ها پرداخته است. همچنین، در

که تعهد اعم از عقد بوده و شامل هر نوع الزام حقوقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ص ۷۶).

۱-۱-۲- اوصاف تعهد

تعهد به نفع ثالث باید شرایط لازم یک تعهد الزام‌آور را داشته باشد تا به عنوان استثنایی موجه بر اصل نسبی بودن قراردادهای پذیرفته شود:

۱-۱-۲-۱- رابطه حقوقی بودن تعهد (حق دینی)

تعهد رابطه‌ای شخصی میان دائن و مدیون است و طلبکار فقط نسبت به متعهد حق مطالبه دارد. حقوق دینی از اموال موجود در دارایی متعهد حمایت می‌کند، اما قابلیت تعقیب اموال منتقل شده به ثالث را ندارد (کامل، ۱۳۹۹: ص ۱۹)

۱-۱-۲-۱- الزام‌آور بودن تعهد

تعهد باید الزام‌آور باشد و متعهد نتواند از اجرای آن بدون دلیل قانونی خودداری کند. در عقود جایز نیز تعهد تا زمان عدم فسخ، الزام‌آور است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ص ۲۱). آیه‌ی اول سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» نیز بر لزوم وفای به عقود تأکید دارد.

۱-۱-۲-۱-۳- مالی بودن تعهد (در معنای خاص)

تعهد عمدتاً به روابط مالی مربوط می‌شود و در زمره حقوق مالی قرار می‌گیرد (قاسم زاد، ۱۳۸۹: ص ۱۵). دکتر کاتوزیان نیز تعهد را الزام به انتقال مال یا انجام عمل مالی تعریف کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: صص ۶۶-۶۹).

می‌شود. سپس مبانی نظری نهاد تعهد به نفع ثالث در حقوق قراردادهای و جایگاه آن در حقوق ایران و عراق بررسی خواهد شد. هدف این فصل، فراهم کردن چارچوبی مفهومی برای شناخت بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های دو نظام حقوقی است.

۱-۱- مفهوم و اوصاف تعهد

اصل نسبی بودن قراردادهای در اغلب نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است؛ به این معنا که آثار قرارداد محدود به طرفین آن است. یکی از استثناهای مهم این اصل، «تعهد به نفع ثالث» است که به موجب آن، یکی از طرفین به نفع شخص ثالثی تعهد می‌کند، بدون آنکه ثالث نقشی در انعقاد قرارداد داشته باشد. این نهاد در حقوق ایران با بهره‌گیری از قواعد عمومی قراردادهای و اصول فقهی تحلیل می‌شود، هر چند در قانون مدنی تصریح نشده است. در مقابل، حقوق عراق با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق نوشته، دیدگاهی ویژه ارائه می‌دهد.

۱-۱-۱- تعریف تعهد

تعهد در لغت به معنای عهد، پیمان، قرارداد و تعهد کاری آمده است (معین، ۱۳۸۸: ص ۱۱۰۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۷۸۳). در حقوق، تعهد رابطه‌ای حقوقی است که در نتیجه عقد، شبه‌عقد، جرم، شبه‌جرم یا حکم قانون ایجاد می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ص ۱۶۶). برخی فقیهان تعهد را فراتر از عقد دانسته‌اند و تعهداتی مانند پرداخت دیه را ناشی از قانون می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۳۴).

دکتر ناصر کاتوزیان نیز تعهد را اثری از عقد می‌داند و میان مفهوم عام و خاص آن تفکیک قائل است. وی تأکید دارد

صورت ایقاع یا عقد شکل بگیرند و از عناصر اساسی ایجاد تعهدات در حقوق مدنی محسوب می‌شوند. قصد انشاء و آگاهی به ایجاد اثر حقوقی در فعل حقوقی شرط لازم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ص ۲۲۵).

#### ۱-۲-۳- مفهوم «تعهد به فعل ثالث»

تعهد به فعل ثالث، نهادی است که طی آن یکی از طرفین قرارداد، تعهد می‌کند که شخص ثالثی را به انجام یا ترک عملی وادار سازد. این تعهد، استثنایی بر اصل نسبی بودن قراردادهاست و در صورت تحقق شرایط، در نظام‌های حقوقی مختلف مانند ایران قابل پذیرش است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۲۳۵).

#### ۱-۲-۴- مفهوم تعهد به فعل ثالث

با توجه به مطالب پیشین در خصوص «تعهد»، «فعل حقوقی» و «شخص ثالث»، می‌توان مفهوم «تعهد به فعل ثالث» را این‌گونه تعریف کرد: این تأسیس حقوقی زمانی شکل می‌گیرد که یک یا چند نفر، با توافق یا اراده‌ای یک‌جانبه، انجام دادن فعلی را که باید توسط شخصی غیر از خودشان (یعنی شخص ثالث) انجام شود، بر عهده می‌گیرند. در اینجا، اشخاص تعهد یا التزام می‌نمایند که فعل مزبور از جانب ثالث محقق شود (ترکمان و ایزانلو، ۱۳۹۵: ۸۳-۸۴).

#### ۲. ماهیت فهی و حقوقی تعهد به فعل ثالث

پس از تحلیل مفهومی نهاد «تعهد به فعل ثالث» ضروری است به‌منظور درک کامل‌تر این تأسیس کاربردی و پراهمیت در عرصه حقوق، ماهیت حقوقی آن نیز مورد بررسی قرار

۱-۲- مفهوم «شخص ثالث»، «فعل حقوقی» و «تعهد به فعل ثالث»

پس از تبیین مفهوم تعهد، اکنون برای درک بهتر «تعهد به فعل ثالث»، باید سه مفهوم کلیدی یعنی «شخص ثالث»، «فعل حقوقی» و «تعهد به فعل ثالث» بررسی شود. این مفاهیم، شالوده تحلیل ماهوی و تطبیقی این نهاد را تشکیل می‌دهند.

#### ۱-۲-۱- مفهوم «شخص ثالث» در حقوق مدنی

«ثالث» در لغت به معنای «سوم» است و در حقوق به کسی گفته می‌شود که طرف عقد یا قائم‌مقام طرفین نیست. شخص ثالث در قرارداد نقشی در انعقاد نداشته ولی ممکن است موضوع حق یا تعهد ناشی از قرارداد قرار گیرد.

دکتر شهیدی شخص ثالث را «کسی که اراده‌اش در انعقاد قرارداد دخالت نداشته» معرفی می‌کند (شهیدی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۶). دکتر کاتوزیان نیز بیان می‌دارد: «ثالث کسی است که نه طرف عقد است و نه قائم‌مقام قانونی یکی از طرفین» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۱۷۳).

نمایندگان و وکلای قانونی، چون به نیابت از اصیل اقدام می‌کنند، ثالث به شمار نمی‌روند. همچنین در انتقالات بعدی، اگر منتقل‌الیه جایگزین حقوق و تعهدات منتقل‌کننده شود، قائم‌مقام محسوب می‌شود و ثالث نیست. البته در برخی موارد خاص، ایادی بعدی می‌توانند ثالث تلقی شوند.

#### ۱-۲-۲- مفهوم «فعل حقوقی»

فعل حقوقی عملی است که با اراده آگاهانه و با قصد ایجاد آثار حقوقی صورت می‌گیرد. این اعمال می‌توانند به

## ۲-۱- شرط ضمن عقد (ماهیت فقهی)

در فقه اسلامی، به ویژه در فقه امامیه، فقها از نهاد «تعهد به فعل ثالث» در قالب «شرط ضمن عقد» سخن گفته‌اند. این شرط می‌تواند شامل فعل ایجابی (مثبت) یا فعل سلبی (منفی) باشد. به‌عنوان مثال، علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء در این خصوص می‌نویسد:

«اگر بر فروشنده شرط شود که ضامن عهده بر مبیع بگیرد و شخص معین آن را نپذیرد، برای مشتری خیار فسخ ثابت است. همچنین اگر شرط شود که مشروط‌علیه کالا را از شخص ثالث بخرد یا به او بفروشد و شخص ثالث از انجام این تعهد امتناع ورزد، برای مشروط‌علیه احتمال خیار فسخ وجود دارد. به‌طور مشابه، اگر شرط شود که کالا به زید فروخته شود، در صورت امتناع، خیار از حیث تعذر شرط ثابت خواهد بود.» (علامه حلی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۹۰؛ کامل، ۱۳۹۹، ص ۳۵)

در همین راستا، شیخ مرتضی انصاری دو احتمال را مطرح کرده است. ابتدا، اگر شرط شود که مبیع به زید فروخته شود، در این حالت آنچه برای مشروط‌علیه ممکن است تنها ایجاب است، زیرا انعقاد عقد خارج از حدود اختیار مشروط‌علیه قرار می‌گیرد، بنابراین چنین شرطی باطل خواهد بود. در حالت دوم، اگر قصد طرفین از شرط، انشاء ایجاب باشد، اجرای شرط به محض انشاء ایجاب تحقق پیدا کرده و شرط صحیح است. اما اگر قصد طرفین به طور جامع شامل ایجاب و قبول باشد، به دلیل خارج بودن از حیطة اختیار مشروط‌علیه، احتمال بطلان آن وجود دارد، مگر اینکه طرفین نسبت به خریداری و قبول شخص ثالث اطمینان کامل داشته باشند و شرط را بر این اساس تنظیم کنند.

گیرد. تبیین دقیق ماهیت این نهاد می‌تواند نقش بسزایی در تعیین جایگاه آن در نظام حقوقی ایفا نماید.

در حقوق مدنی ایران، با استناد به ماده ۲۳۴ قانون مدنی، چنین تعهدی را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق شرط فعل دانست. این ماده مقرر می‌دارد: «شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص ثالث شرط شود.» بر این اساس، تعهد به انجام یا ترک فعل از سوی شخص ثالث نیز در قالب شرط فعل قابل تحلیل است (ماده ۲۳۴ قانون مدنی).

بر اساس بررسی‌های تطبیقی میان فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران، به نظر می‌رسد که «تعهد به فعل ثالث» در هر یک از این دو نظام، واجد ماهیتی متمایز است. در نظام فقهی اسلام، این نهاد عمدتاً در قالب «شرط ضمن عقد» تحلیل می‌شود، در حالی که در حقوق موضوعه ایران، غالباً به عنوان «نوعی از شرط فعل» شناخته می‌شود.

به‌عبارت دیگر، در فقه امامیه، هنگامی که یکی از طرفین عقد، تعهد می‌کند که شخص ثالثی عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری کند، این تعهد در زمره شروط ضمن عقد می‌گنجد که در صورت عدم تحقق آن، آثار حقوقی معینی مانند حق فسخ برای مشروط‌علیه به دنبال خواهد داشت. اما در حقوق مدنی ایران، با استناد به ماده ۲۳۴ قانون مدنی، چنین تعهدی را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق شرط فعل دانست. این ماده مقرر می‌دارد: «شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص ثالث شرط شود.» بر این اساس، تعهد به انجام یا ترک فعل از سوی شخص ثالث نیز در قالب شرط فعل قابل تحلیل است.

شخصی می‌پذیرد، نه این که بخواهد تعهدی مستقیم برای شخص ثالث ایجاد کند (کامل، ۱۳۹۹، ص ۳۹).

در یک تحلیل حقوقی ساده، می‌توان گفت که برخلاف تعهد به نفع ثالث که به عنوان یکی از استثنائات بارز اصل «نسبی بودن آثار قراردادها» در نظر گرفته می‌شود، نهاد حقوقی تعهد به فعل ثالث یک نوع خاص از قراردادها نیست و به‌طور کلی از نظر تشکیل و آثار، مشمول قواعد عمومی قراردادها است. موضوع مهمی که باید در نظر گرفته شود این است که تعهد موجود در قرارداد میان متعهد و طرف قرارداد، در واقع به‌عنوان ایجاب تعهد به ثالث تلقی می‌شود. زمانی که ثالث این تعهد را قبول می‌کند، در واقع ایجاب مطرح شده را می‌پذیرد و در نتیجه، یک عقد جدید میان ثالث از یک سو و متعهد و طرف قرارداد از سوی دیگر شکل می‌گیرد. این عقد جدید، البته جدا از عقد اولیه میان متعهد و طرف قرارداد است و از جهات مختلف مانند طرفین قرارداد، تعهدات موضوع قرارداد، و زمان انعقاد با قرارداد اولیه تفاوت دارد (کامل، ۱۳۹۹، ص ۳۹).

بر اساس این توضیحات، مسلم است که تعهد به فعل ثالث نمی‌تواند عنوان خاصی در قانون مدنی پیدا کند، جز آنکه با استنباط از ماده (۲۳۴) و با تطابق با مفهوم «شرط فعل» مندرج در این ماده، بتوان آن را نوعی «شرط فعل» دانست. برخی نیز معتقدند که این نوع تعهد یک قرارداد خصوصی است که مطابق ماده (۱۰) قانون مدنی حاصل توافق طرفین در عقود و قراردادها می‌باشد، اما به نظر می‌رسد که این نظر نیاز به بررسی بیشتر دارد.

مبنای استدلال موافقان این دیدگاه، قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم» است که بر اساس آن، تمام تعهدات

حاشیه‌نویسان کتاب مکاسب نیز این دیدگاه را تأیید کرده‌اند و در خصوص شرط بر ثالث، تفصیل قائل شده‌اند. آنان بیان کرده‌اند که اگر شرط متعلق به فعل شخص ثالث باشد و مشروط‌علیه هیچ‌گونه سلطنت یا قدرتی بر وی نداشته باشد، این شرط غیر مقدور و ناپذیرفتنی است. با این حال، اگر در شرایط عادی، شخص ثالث آن شرط را بپذیرد و اگر مقصود از شرط، تسهیل انجام فعل توسط ثالث باشد، این شرط قابل اجرا است، هرچند اگر شخص ثالث آن را بپذیرد، دیگر شرط ابتدائی لزوم اجرا ندارد. (مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۳).

در این زمینه، دلایل مختلفی برای تبیین جایگاه «تعهد به فعل ثالث» در قالب شرط ضمن عقد وجود دارد. یکی از دلایل این است که در فقه سنتی، بسیاری از تعهدات به‌طور معمول از طریق عقود عهدی تنظیم می‌شدند، به‌ویژه زمانی که شرایط خاصی برای لزوم تعهدات وجود داشت. علاوه بر این، در تعریف مفهومی شرط، آن را به‌عنوان تعهد اضافی در ضمن عقد دانسته‌اند و آن را از تعهدات مستقل تفکیک کرده‌اند. بر این اساس، شرط به‌عنوان وعده یا تعهد غیرحقوقی شناخته می‌شود، که مشروط‌علیه در چارچوب عقد به آن ملتزم می‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۸۸).

## ۲-۲- نوعی تعهد یا شرط فعل (ماهیت حقوقی)

برای پاسخ به این سوال که «تعهد به فعل ثالث» مطابق با حقوق موضوعه (به‌ویژه قانون مدنی) دارای چه ماهیتی است، ابتدا باید اذعان کرد که در این نوع تعهد، متعهد پذیرفته است که رضایت شخص ثالث را برای انجام عملی خاص کسب کند. بنابراین، در واقع، تعهد متعهد از نوع تعهد به انجام دادن کار معین است و متعهد این تعهد را برای خود و به‌عنوان تعهد



را بپذیرد. در واقع، پذیرش شخص ثالث شرط تحقق تعهد است و در صورت عدم رضایت او، این تعهد برای وی نافذ نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳).

این قاعده در حقوق ایران مشابه با دیگر نظام‌های حقوقی است. در سیستم‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق فرانسه و انگلیس، نیز عدم رضایت شخص ثالث به عنوان یک مانع در اجرای تعهدات به نفع او شناخته شده است. به عنوان مثال، در قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۲۲۲ اصلاحی تعهدات به نفع شخص ثالث را تنها در صورتی نافذ می‌داند که شخص ثالث آن را بپذیرد و عدم پذیرش وی موجب بی‌اثر شدن تعهدات به نفع او می‌شود (صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹).

از سوی دیگر، در سیستم حقوقی کامن‌لا، اصول مشابهی وجود دارد. در این نظام‌ها نیز، شخص ثالث می‌تواند از پذیرش تعهدات خودداری کند و این امر موجب می‌شود که تعهد به نفع وی الزام‌آور نباشد. به عبارت دیگر، آزادی اراده شخص ثالث در پذیرش تعهدات به نفع او، از جمله موانع مهم اجرای تعهدات به نفع شخص ثالث محسوب می‌شود (پلاتیول و ریبر، ۱۳۷۰، ص ۲۷۵).

بنابراین، در حقوق ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، اصل عدم الزام شخص ثالث به پذیرش تعهدات از سوی طرفین قرارداد به عنوان یکی از موانع اصلی در اجرای تعهدات به نفع شخص ثالث شناخته شده است. این مسأله به دلیل حفظ آزادی اراده و جلوگیری از تحمیل تعهدات بر افراد بدون رضایت آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳-۲- موافقت دائن

(الزامات و التزامات حقوقی) مشمول عموم این قاعده قرار می‌گیرند. بنابراین، در شرایطی که تعهد به فعل ثالث صورت می‌گیرد، آن را نیز به عنوان یک الزام حقوقی در نظر می‌گیرند که مشمول این قاعده خواهد بود. (مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۴)

۳. موانع ایفای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران

در حقوق ایران، تعهد به نفع ثالث به معنای توافقی است که در آن یک شخص (متعهد) به نفع شخص ثالثی تعهد می‌کند. به عبارت دیگر، تعهد به نفع ثالث یعنی شخصی (متعهد) قراردادی با شخص اول (دائن) منعقد می‌کند که در آن شخص ثالثی (غیر از طرفین قرارداد) از آن قرارداد سود می‌برد یا بهره‌مند می‌شود. در حقوق ایران، ممکن است موانعی برای ایفای تعهد به نفع ثالث وجود داشته باشد که عبارتند از:

۳-۱- عدم رضایت شخص ثالث

یکی از موانع اصلی این است که شخص ثالث می‌تواند در برخی موارد از پذیرش تعهدات خودداری کند. در این صورت، تعهد به نفع ثالث نافذ نیست و شخص ثالث می‌تواند آن را رد کند. در واقع، تعهد به نفع ثالث فقط در صورتی الزام‌آور است که شخص ثالث آن را بپذیرد.

در حقوق مدنی ایران، تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان یک استثنا بر اصل نسبی بودن قراردادها شناخته شده است. طبق ماده ۱۹۶ قانون مدنی، هنگامی که یک قرارداد به نفع شخص ثالث منعقد می‌شود، در حقیقت طرفین قرارداد تعهداتی را به سود شخص ثالث به عهده می‌گیرند. اما این تعهدات زمانی قابل اجرا و الزام‌آور هستند که شخص ثالث آن

### ۳-۳- موانع قانونی

برخی قوانین خاص در برخی مواقع ممکن است این امکان را محدود کنند که تعهد به نفع ثالث برقرار شود. برای مثال، در برخی عقود خاص مانند قراردادهای استخدامی، ممکن است تعهد به نفع ثالث قانونی نباشد یا از آن جلوگیری شود.

موانع قانونی یکی از موارد مهم در ایجاد تعهد به نفع ثالث هستند. در بسیاری از سیستم‌های حقوقی، برخی قوانین خاص ممکن است محدودیت‌هایی برای انعقاد چنین تعهداتی اعمال کنند. یکی از این محدودیت‌ها در برخی عقود خاص نظیر قراردادهای استخدامی است که در آن تعهد به نفع ثالث به‌طور معمول پذیرفته نمی‌شود یا از آن جلوگیری می‌شود. به‌ویژه در قراردادهای استخدامی، اصولاً کارفرما و کارمند دو طرف اصلی قرارداد هستند و ایجاد حق یا تعهد برای شخص ثالث بدون موافقت طرفین نمی‌تواند اثر قانونی داشته باشد. در این نوع قراردادها، اساساً باید اراده مستقیم طرفین در تنظیم روابط حقوقی آن‌ها حاکم باشد و اجازه دادن به شخص ثالث برای بهره‌برداری از تعهدات کارفرما می‌تواند با اصول بنیادی قراردادهای استخدامی مغایرت داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶).

همچنین، در قوانین مختلف کشورهای اروپایی و حتی برخی ایالات در نظام حقوقی آمریکا، به‌ویژه در مورد قراردادهای استخدامی و قراردادهایی که منافع عمومی دارند، تعهد به نفع شخص ثالث به‌طور ویژه محدود شده است. به‌طور مثال، در قانون مدنی فرانسه، به موجب ماده ۱۱۹۹، در مواردی که قرارداد به نفع شخص ثالث منعقد می‌شود، باید

در تعهدات به نفع شخص ثالث، یکی از مسائل اساسی که باید در نظر گرفته شود موافقت دائن (طرف طلبکار) است. در حقوق مدنی ایران، طبق ماده ۱۹۶ قانون مدنی، یکی از اصول اساسی این است که تعهدات به نفع شخص ثالث تنها در صورتی معتبر و اجرایی خواهند بود که دائن نیز با آن موافقت کند. به عبارت دیگر، دائن باید راضی باشد که شخص ثالث از تعهد متعهد بهره‌مند شود. در این راستا، بدون رضایت دائن، تعهد به نفع ثالث به هیچ عنوان تأثیرگذار نخواهد بود و نمی‌توان آن را به‌طور مستقیم بر حقوق شخص ثالث اعمال کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰).

این قاعده به‌طور مشابه در سایر نظام‌های حقوقی نیز پذیرفته شده است. به‌عنوان مثال، در حقوق فرانسه، موافقت دائن یکی از ارکان اصلی اعتبار تعهدات به نفع شخص ثالث است. ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی فرانسه به‌طور صریح تصریح می‌کند که دائن باید موافقت خود را با تعهد به نفع شخص ثالث اعلام کند، در غیر این صورت تعهد به نفع شخص ثالث مؤثر نخواهد بود (صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳).

این موضوع به‌ویژه در حقوق کامن‌لا نیز پذیرفته شده است که هرگونه تغییر در طرفین قرارداد یا ورود شخص ثالث به این رابطه باید با رضایت دائن همراه باشد. در غیر این صورت، چنین تعهداتی فاقد اثر قانونی خواهد بود (پلاتیول و ریپر، ۱۳۷۰، ص ۲۸۳).

بنابراین، در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران و فرانسه، رضایت دائن به عنوان شرطی ضروری برای اعتبار تعهد به نفع شخص ثالث شناخته می‌شود. این قاعده به‌طور دقیق بر اساس اصل آزادی اراده و اختیار دائن در مدیریت حقوق خود استوار است.

ثالث برای فرار از مسئولیت‌های قانونی یا تخلف از قوانین موجود تنظیم شود، این نوع از تعهد ممکن است از سوی مقامات قضائی نافذ نباشد. یکی از مواردی که می‌تواند موجب بطلان تعهد به نفع شخص ثالث شود، هنگامی است که هدف از این تعهد، دور زدن تعهدات قانونی باشد، مانند زمانی که افراد قصد دارند با استفاده از چنین تعهدی از پرداخت بدهی‌ها یا رعایت مقررات قانونی فرار کنند (جهانی مقدم و قیاسی، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

در حقوق ایران، مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، نظارت بر اعمالی که ممکن است برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، اگر توافقاتی که به نفع شخص ثالث صورت می‌گیرند، برخلاف مقررات قانونی یا اصول اجتماعی بوده یا به گونه‌ای باشند که منجر به تضعیف اصول عدالت یا حقوق عمومی شوند، تعهد ایجاد شده ممکن است قابلیت اجرا نداشته باشد. برای نمونه، در صورتی که طرفین قرارداد تنها برای فرار از مسئولیت‌های مالی یا قراردادی اقدام به ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث کنند، این نوع تعهد ممکن است از سوی محاکم رد شود (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، ۱۳۹۹، ص ۶۰۳).

همچنین، در برخی از حقوق تطبیقی، مانند حقوق فرانسه، قوانین آمره به‌طور خاص برای جلوگیری از تعهدات به نفع ثالث که مغایر با اصول اخلاقی یا حقوقی جامعه هستند، وضع شده است. به‌عنوان مثال، در صورتی که تعهد به نفع شخص ثالث به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که به‌طور غیرمستقیم منجر به نقض قوانین مالیاتی یا تخلف از حقوق

در نظر گرفته شود که آیا قانون خاصی وجود دارد که مانع این نوع توافق باشد (پلاتیول و ریپر، ۱۳۷۰، ص ۴۲۳).

این موضوع نشان‌دهنده آن است که برخی از انواع قراردادها به‌ویژه قراردادهای استخدامی و قراردادهایی که جنبه عمومی یا اجتماعی دارند، ممکن است به‌طور صریح یا ضمنی محدودیت‌هایی را برای ایجاد تعهد به نفع ثالث اعمال کنند. این محدودیت‌ها ممکن است ناشی از اصول حقوقی خاص و یا سیاست‌های عمومی کشورها برای جلوگیری از ایجاد حقوق برای اشخاص ثالث در زمینه‌های حساس باشد.

بنابراین، موانع قانونی ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند قراردادهای استخدامی، به وضوح نمایان می‌شود. در این موارد، قوانین خاص و شرایط حقوقی قرارداد تأثیر زیادی بر قابلیت اعمال چنین تعهداتی دارند.

#### ۴-۳- قوانین آمره

قوانین آمره (آن دسته از قوانین که نمی‌توان برخلاف آن‌ها توافق کرد) ممکن است اجازه ندهند که تعهد به نفع شخص ثالث ایجاد شود، به‌ویژه در مواردی که برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. مثلاً اگر تعهد به نفع ثالث، برای فرار از مسئولیت‌ها یا تخلف از قانون باشد، این نوع تعهد ممکن است نافذ نباشد.

قوانین آمره به‌عنوان قوانینی شناخته می‌شوند که هیچ‌گونه توافقی برخلاف آن‌ها پذیرفته نیست و در واقع برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشند. در زمینه تعهد به نفع ثالث، این قوانین می‌توانند مانع ایجاد تعهداتی شوند که مخالف اصول بنیادین جامعه، نظم عمومی یا اخلاق حسنه هستند. به عبارت دیگر، در صورتی که تعهد به نفع شخص

برای مثال، ممکن است در برخی قراردادهای شرط شود که تنها در صورتی که شخص ثالث اقدام خاصی انجام دهد، می‌تواند از مزایای تعهد بهره‌مند گردد. به این معنا که ممکن است تعهد تنها در صورتی که شخص ثالث کار خاصی مانند پرداخت مبلغی از پول، تأیید انجام کاری یا تحقق شروط مشابه را انجام دهد، از آن بهره‌مند شود. اگر این شرایط محقق نشود، تعهد به نفع شخص ثالث به قوت خود باقی نمی‌ماند و شخص ثالث از امکان بهره‌مندی از تعهد محروم خواهد شد (جهانی مقدم و قیاسی، ۱۳۹۶، ص ۱۶).

همچنین، برخی از نویسندگان بر این نکته تأکید دارند که شرایط خاص قرارداد می‌تواند حتی حق پذیرش یا رد تعهد به نفع ثالث را برای شخص ثالث محدود کند. به عبارت دیگر، اگر قرارداد به‌طور مشخص قید کرده باشد که شخص ثالث تنها در صورت تحقق شرایط معین می‌تواند از تعهد بهره‌مند شود، در صورتی که این شرایط محقق نگردد، حتی اگر شخص ثالث به تعهد علاقه‌مند باشد، نمی‌تواند از آن بهره‌برداری کند (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، ۱۳۹۹، ص ۶۰۲).

از سوی دیگر، در برخی موارد، قراردادهای ممکن است شرایطی را معین کنند که متعهد یا دائن بتوانند در صورت عدم تحقق شرایط خاص، از ایفای تعهد به نفع ثالث امتناع کنند. به عنوان مثال، اگر شرایط مالی یا زمانی مشخصی در قرارداد تعیین شده باشد و شخص ثالث نتواند آن شرایط را برآورده سازد، تعهد به نفع شخص ثالث قابل اجرا نخواهد بود و هیچ‌گونه تعهدی برای متعهد ایجاد نخواهد شد (شیروانی‌زاده آرنانی و میرزائزاد جویباری، ۱۴۰۱، ص ۲۴۳).

در نهایت، وجود چنین شرایط خاصی در قراردادهای به‌طور قابل توجهی تأثیرگذار است بر این که آیا تعهد به نفع

مصرف‌کننده گردد، دادگاه‌ها می‌توانند آن را بی‌اثر اعلام کنند (شیروانی‌زاده آرنانی و میرزائزاد جویباری، ۱۴۰۱، ص ۲۴۰).

این‌گونه مسائل در رابطه با تعهد به نفع شخص ثالث نشان می‌دهد که نظارت بر صحت و مشروعیت این نوع تعهدات تنها به قوانین آمره محدود نمی‌شود، بلکه لازم است که هدف اصلی این تعهدات نیز با اصول عدالت و اخلاق سازگار باشد. در غیر این صورت، این نوع تعهدات نمی‌توانند آثار قانونی لازم را داشته باشند.

### ۳-۵- وجود شرط خاص در قرارداد

در برخی موارد، قرارداد ممکن است شرط کند که شخص ثالث نمی‌تواند از این تعهد استفاده کند یا تنها در صورتی می‌تواند بهره‌مند شود که شرایط خاصی فراهم شود. اگر چنین شرایطی در قرارداد وجود داشته باشد، عدم تحقق آن شرایط می‌تواند مانع از ایفای تعهد به نفع ثالث شود.

در برخی از قراردادهای ممکن است شرایط خاصی پیش‌بینی شود که به موجب آن، شخص ثالث تنها در صورت تحقق این شرایط قادر به بهره‌مندی از تعهد باشد. به عبارت دیگر، ممکن است طرفین قرارداد (به‌ویژه متعهد و دائن) به‌طور صریح یا ضمنی توافق کنند که بهره‌مندی شخص ثالث از تعهد، منوط به تحقق شرایط خاصی است که در قرارداد قید شده است. در چنین شرایطی، عدم تحقق این شرایط می‌تواند به‌طور قابل توجهی مانع از ایفای تعهد به نفع ثالث شود و حتی موجب بطلان یا عدم تأثیر این تعهد گردد. این نوع از شرایط به‌ویژه در قراردادهایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع و حقوق شخص ثالث مرتبط است، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای مثال، اگر شخص ثالث فاقد اهلیت قانونی برای پذیرش تعهد باشد، مانند فردی که به علت سن کم یا عدم بلوغ، قادر به قبول تعهدات نباشد، در این صورت حتی اگر قراردادی به نفع او تنظیم شده باشد، تعهد به نفع او نافذ نخواهد بود. علاوه بر این، در برخی قراردادها ممکن است طرفین توافق کنند که تنها افراد خاصی می‌توانند از تعهد بهره‌مند شوند. اگر شخص ثالث از آن افراد نباشد، نمی‌تواند از تعهد استفاده کند و در نتیجه تعهد به نفع او اجرا نخواهد شد (منصوری جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۴).

مورد دیگری که می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، این است که شخص ثالث ممکن است به دلایل قانونی نتواند از تعهد استفاده کند. برای مثال، در برخی از نظام‌های حقوقی، ممکن است برای استفاده از برخی تعهدات، شخص ثالث نیاز به اجازه یا تأیید یک نهاد دولتی یا قانونی داشته باشد. در صورت عدم تأیید یا اجازه، شخص ثالث نمی‌تواند از تعهد بهره‌مند شود (شعاریان ستاری و باحجب عظیمی، ۱۳۹۹، ص ۶۰۲).

به این ترتیب، فقدان صلاحیت شخص ثالث می‌تواند به عنوان یکی از موانع مهم در راه اجرای تعهدات به نفع او عمل کند. این مشکل می‌تواند از جهات مختلفی مانند اهلیت، شرایط قانونی خاص یا عدم تطابق با مفاد قرارداد بروز کند و در نهایت موجب عدم تحقق تعهد به نفع شخص ثالث شود.

### ۳-۷- فقدان قصد طرفین برای ایجاد تعهد به نفع ثالث

اگر طرفین (متعهد و دائن) قصد نداشته باشند که به نفع شخص ثالث تعهد ایجاد کنند و صرفاً به‌طور ضمنی در

شخص ثالث به‌طور قانونی قابل اجرا خواهد بود یا خیر. این شرایط ممکن است به‌طور مؤثری از استحقاق شخص ثالث برای بهره‌مندی از تعهد جلوگیری کنند، به‌ویژه در صورتی که شرایط مشخص و محدودکننده‌ای برای این بهره‌مندی در نظر گرفته شده باشد.

### ۳-۶- فقدان صلاحیت شخص ثالث

اگر شخص ثالث فاقد صلاحیت لازم برای بهره‌مندی از تعهد باشد (مثل اینکه شرایط قانونی یا قراردادی برای بهره‌مندی از تعهد را نداشته باشد)، در این صورت تعهد به نفع ثالث نیز ممکن است با مشکل مواجه شود.

فقدان صلاحیت شخص ثالث یکی از موانع مهم در ایجاد و اجرای تعهدات به نفع ثالث است. صلاحیت شخص ثالث به این معنا است که شخص ثالث باید دارای شرایط قانونی یا قراردادی خاصی باشد تا بتواند از تعهدات به نفع خود بهره‌مند شود. اگر شخص ثالث فاقد این صلاحیت باشد، تعهد به نفع او با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود و در نتیجه ممکن است این تعهد نافذ نباشد.

در حقوق ایران، برای این که شخص ثالث از تعهدات بهره‌مند شود، لازم است که شرایط خاصی را داشته باشد. این شرایط می‌تواند شامل شرایط قانونی یا قراردادی باشد که طرفین قرارداد برای استفاده از آن در نظر گرفته‌اند. در صورتی که شخص ثالث نتواند این شرایط را برآورده کند، حتی اگر تعهد به نفع او صورت گیرد، ممکن است نتواند از آن بهره‌مند شود. به عبارت دیگر، فقدان صلاحیت قانونی یا قراردادی می‌تواند مانع از اجرای صحیح تعهد به نفع ثالث گردد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

دارند از آن سود ببرند، اهمیت دارد. در این صورت، شخص ثالث نمی‌تواند مستقیماً از تعهدات نفعی ببرد، مگر آنکه در قرارداد به‌طور صریح به نفع او تعهد صورت گرفته باشد (فلاح، ۱۳۹۰، ص ۴۸).

بنابراین، برای تحقق تعهد به نفع شخص ثالث، قصد و اراده طرفین باید صریحاً بر آن متمرکز باشد و هر گونه تردید یا ابهام در این زمینه می‌تواند مانع از شمول و اجرای تعهد به نفع ثالث شود. در این شرایط، نیت طرفین به‌طور ضمنی یا غیرمستقیم نمی‌تواند به‌عنوان دلیل کافی برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث مورد استفاده قرار گیرد. تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران با شرایط خاصی روبه‌رو است که شامل رضایت طرفین، شفافیت در شرایط قرارداد و رعایت قوانین است.

#### نتیجه‌گیری

موانع ایفای تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران به مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و شرایط قانونی و قراردادی برمی‌گردد که می‌تواند مانع از تحقق و اجرای تعهدات به نفع شخص ثالث شود. این موانع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: موانع قراردادی و موانع قانونی.

اولاً، یکی از موانع اساسی، نیاز به رضایت شخص ثالث است. به موجب اصل نسبی بودن قراردادهای، تعهد به نفع ثالث تنها زمانی الزام‌آور خواهد بود که شخص ثالث آن را بپذیرد. این مسأله باعث می‌شود که در صورتی که شخص ثالث از پذیرش تعهد خودداری کند، تعهد به نفع او نافذ نخواهد بود.

ثانیاً، در صورتی که طرفین قرارداد (متعهد و دائن) قصد مشخصی برای ایجاد تعهد به نفع ثالث نداشته باشند و تنها به‌طور ضمنی در نظر داشته باشند که فرد ثالث از قرارداد

نظر داشته باشند که فرد ثالث از قرارداد منتفع شود، این امر ممکن است موانعی برای شمول تعهد به نفع ثالث ایجاد کند. فقدان قصد طرفین برای ایجاد تعهد به نفع ثالث یکی از مشکلات مهم در تحقق و اعتبار تعهدات به نفع شخص ثالث است. در حقوق مدنی، به‌ویژه در نظام‌های حقوقی ایران و بسیاری از کشورها، قصد طرفین (متعهد و دائن) برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث، از ارکان اساسی برای شکل‌گیری چنین تعهداتی محسوب می‌شود. در صورتی که طرفین قصد روشن و معین برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث نداشته باشند و تنها به‌طور ضمنی فرض کنند که شخص ثالث از قرارداد منتفع خواهد شد، این امر ممکن است مانع از شمول تعهد به نفع ثالث شود و تعهد مذکور فاقد اثر قانونی خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران، اصل این است که برای وقوع هر تعهد، باید اراده طرفین در رابطه با آن تعهد به‌طور واضح و قاطع در نظر گرفته شده باشد. در صورتی که تعهد به نفع شخص ثالث به‌طور ضمنی و غیرمستقیم شکل گیرد، ممکن است این تعهد فاقد اراده معتبر از طرفین باشد و نتواند اثرات قانونی خود را بر اشخاص ثالث اعمال کند. در واقع، بر اساس ماده ۱۹۶ قانون مدنی ایران، برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث، لازم است که در قرارداد، اراده طرفین به‌طور صریح نسبت به نفع فرد ثالث معین و مشخص باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲).

اگر طرفین صرفاً به‌طور ضمنی و غیرصریح بخواهند که شخص ثالث از قرارداد منتفع شود، ممکن است این تعهد فاقد شرایط قانونی و حقوقی لازم برای شمول تعهد به نفع شخص ثالث باشد. این موضوع به‌ویژه در قراردادهایی که طرفین قصد

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.  
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

### منابع

کتابها

- پلاتیول، مارسل و ریبر، ژرژ، (۱۳۷۰)، رساله عملی در حقوق مدنی، ترجمه ناصر کاتوزیان، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۵۷)، دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد ۱، بنیاد راستا، تهران.
- جهانی مقدم، فائزه؛ قیاسی، رضا، (۱۳۹۶)، آثار و موانع تقاضای اجرای قرارداد توسط ذینفع ثالث، همایش بین‌المللی حقوق و فقه.
- سلطانی نژاد، هدایت الله، (۱۳۹۶). موانع و محدودیت‌های الزام به اجرای عین تعهد در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با سایر نظام‌ها، فصلنامه حقوق تطبیقی، ۴(۲)، ۲۲-۱.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۹). آثار قراردادهای تعهدات، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد.
- صادقی، محمود (۱۳۸۲). تعهد تقع شخص ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس، ایران و فقه امامیه، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صادقی، محمود، (۱۳۸۲)، تعهدات به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس، ایران و فقه امامیه، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

منتفع شود، این امر می‌تواند مانع از شمول تعهد به نفع ثالث گردد. در این مواقع، تعهد به نفع ثالث فاقد اثر قانونی خواهد بود.

ثالثاً، برخی موانع قانونی و حقوقی می‌توانند در ایفای تعهد به نفع ثالث نقش داشته باشند. این موانع ممکن است شامل قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه باشند که مانع از اجرای تعهد به نفع ثالث در موارد خاص می‌شوند. برای مثال، اگر تعهد به نفع ثالث برای فرار از مسئولیت‌ها یا تخلف از قانون باشد، ممکن است چنین تعهدی به‌طور قانونی نافذ نباشد.

علاوه بر این، برخی قراردادها ممکن است به‌طور خاص شرط کنند که شخص ثالث نمی‌تواند از تعهد بهره‌مند شود یا تنها در صورتی می‌تواند از آن بهره‌برداری کند که شرایط خاصی فراهم شود. عدم تحقق این شرایط می‌تواند مانع از ایفای تعهد به نفع شخص ثالث گردد.

پس فقدان صلاحیت شخص ثالث برای بهره‌مندی از تعهد نیز از جمله موانع جدی ایفای تعهد به نفع ثالث است. اگر شخص ثالث شرایط قانونی یا قراردادی لازم برای بهره‌مندی از تعهد را نداشته باشد، تعهد مذکور نمی‌تواند به نفع او قابل اجرا باشد.

بنابراین، برای اینکه تعهد به نفع ثالث به‌طور مؤثر و نافذ در حقوق ایران محقق شود، باید تمامی شرایط و ارکان قانونی از جمله رضایت شخص ثالث، قصد طرفین، شرایط قرارداد و تطابق با قوانین آمره رعایت شود. هرگونه نقص یا عدم تطابق در این زمینه‌ها می‌تواند مانع از اجرای تعهد به نفع ثالث و ایجاد اثرات حقوقی مطلوب گردد.

فلاح، حسین، (۱۳۹۰)، تعهد به نفع ثالث در حقوق ایران: مفاهیم، شرایط و آثار، تهران: انتشارات جنگل.

قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۹)، اصول قراردادهای و تعهدات، چاپ چهاردهم، تهران: نشر دادگستر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادهای، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). نظریه عمومی تعهدات، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.

کامل، حمید، (۱۳۹۹). تعهد به فعل ثالث در فقه اسلام و حقوق موضوعه، چاپ اول، اهواز: انتشارات کتابکده آرشیدا.

#### مقالات و رساله‌ها

شعاریان ستاری، ابراهیم؛ باحجب عظیمی، سئودا. (۱۳۹۹). حکم الزام متعهد به ایفای عین تعهد و اجرای آن از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه. دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۵۹۱-۶۱۱.

شیروانی زاده آرانی، حامد؛ میرزائزاد جویباری، اکبر. (۱۴۰۱). ممنوعیت تحمیل شخص ثالث به عنوان طرف قرارداد در حقوق ایران و انگلیس، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۷(۹۹)، ۲۳۵-۲۵۶.

صادقی، محمود (۱۳۷۹). مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس.

منصوری جمشیدی، کیانا؛ پیرامن، فاطمه؛ یداللهی، انور. (۱۴۰۳). بررسی فسخ تعهد به نفع ثالث. مقالات آماده انتشار آنلاین، مطالعات حقوق نوین.

#### منابع عربی

حسینی مراغه ای، میرعبد الفتاح، (۱۴۱۸ق)، عناوین، ج ۱ و ۲، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.

حلی، شمس الدین محمد، (۱۴۳۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین، جلد دوم، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۸۷ق)، حاشیه المکاسب، ج ۲، مؤسسه اسماعیلیان، قم.